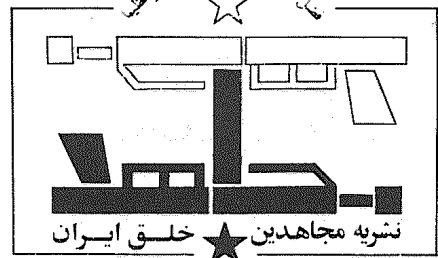


- ادامی با زداشت غیر قانونی نمایندگان رسمی مجاهدین خلق - مرکز بالسر
- مسلمانان بداد مجاهد سپیداحد عزیز
- مصاحبه‌های با خانواده‌ی قربانیان فاجعه سینما رگس آبادان
- در سپهسناها خدی می‌کدرد...!
- سوال از
- ریاست محترم مجلس شورای ملی



سال اول - شماره ۹۲ - شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۰ رسال

چگونه ممکن است حزبی که در کشور خود - گامگی و قدرت طلبی خود، رسالت اصلی اثر را در فتنه‌نگیزی و دسیسه‌چینی علیه انقلاب و نیروهای انقلابی یافته است، بالاخره رسوا نشود و نقاب عوام‌فریبی و اسلام‌پناهی از چهره‌اش برداشته نشود؛ مگر آنکه بگوئیم کار این جهان بدون حساب و کتاب است.
پس وای بحال آنهایی که دین را وسیله دنیایشان ساخته و قیام‌گشایان روی خون شهیدان را ناست.

متن نوارهای اول و دوم سخنان دکتر آیت عضو هیئت مؤسس، عضو شورای مرکزی و دبیر سیاسی حزب جمهوری اسلامی

حزب جمهوری اسلامی

کیف طرح‌هایی که برای آینده ما ترسیم می‌شد است، نگاه کردید. در این رهگذر همجین اهمیت حیرانی که در فاجعه‌ی کربلا از سوط شاه شکل گرفت و از آن بعد سروسخت‌ترین ستم‌رده ما را به بازی گرفت و تمامی ابرشهای مقدس را و جانگمال‌های احاطه‌طلبی - غایتش نمودار غارت خواهد شد. در صفحه ۴۰۳ و ۲

برخوردار است. از این رو لازم امید که ما بررسی همه جاسد و بدیدیم متن این دو گفتگو را که دقیق آن، مردم ما از عمق دجایی تاکنون افشا شده نقل کنیم. به این که برای ما میهن گذشته و نیز از کم و

از بسیاری جریان‌ها گذشتند و طرح‌ها و نقشه‌های آینده در مورد جامعه‌ی ما برمی‌دارد، از اهمیت ویژه‌ای

عضو موسس، عضو شورای مرکزی و دبیر سیاسی حزب جمهوری اسلامی (صرف نظر از سابق سیاسی‌اش) پیرده

آنچه در زیر می‌خوانید متن بی‌ساده شده‌ی دو مسرود از گفتگوهای دکتر آیت است که در روزنامه‌های چهارشنبه و پنج‌شنبه هفتگی پیش‌تحت عنوان نوار اول و دوم سخنان او منتشر شد.
دکتر صحبت‌های دکتر آیت به لحاظ موقعیتش به عنوان

در حاشیه‌ی استعفاى سرپرست رادیو تلویزیون حکومت ایلخانی در رادیو

«ایلخانان» رادیو به سلطه‌ی خود دلخوشند و فکرمی‌کنند که هر مرکز حرفی را می‌توانند در پوشش صدای جمهوری اسلامی به خورد مردم بدهند!

خود را برای سرک در بحث می‌خواهیم عنوان کنیم، اسامی جدیداً کسند که هنوز حسن دعوی که با اطلاع اسامی صورت گرفته باشد، انجام شده...
و در همانجا سیدکر سیدیم که: آقای دکتر فراخی که خود نیز بنیاد رصحه‌ی ۲

در رابطه با دعوت مجدد رادیو «... او...» رادیو هرگز ما از مجاهدین برای مظهری رادیویی کتون حاضر نمانست که جوانی که همراه با نهایت فرصت‌طلبی و مجاهدین را بر برابر ساسی‌های ساسی‌ها، نگذارند، در سلطانار دادی سستی متکبر که مجاهد سازه‌ی ۱۲ بحث عنوان سستول این کالگ ترات کند...
«سستول خود سزی‌های راه‌یو گسست؟» مانا... در سلس محدودی که ما از قول سخنگوی مجاهدین حسین نقل آقای دکتر فراخی مدیر عامل رادیو تلویزیون گرفته و حسن آمانادی کردیم:

بهر دربی چماقداران به منزل هواداران مجاهدین در تربت حیدریه و غارت و تخریب آنها و همچنین عدم رسیدگی مسئولین، تاکنون دو خانواده برای همیشه و هشت خانواده بنیاد رصحه‌ی ۲

استمداد از امام

آن چند روزی می‌خوانید ستم - کرداد، که به خاطر سحات اسلام و انقلاب دستورات لازم را برای جلوگیری از خونریزی‌های بعدی این اربابان تدارک‌دهنده که واقعا روی فحاشی - داران آریامبری را سفید کرده‌اند، صادر فرمایند.
(متن کامل نامه‌ها به دفتر امام ارسال شده است.)
بدر کرامی، حضرت آیت الله! علی خود یک دختر دانشجو مدرسه عالی علوم اراک همس... در جریان سلفه‌ی عدای اوباش بد دفتر جوانان مسلمان اراک وفاقی بین آمد... و در آن سلس صدای بین خود من سر وارد آمد. می‌خواهم از آن بدر کرامی سبسم که آیا در یک بنیاد رصحه‌ی ۲

حاشی از چند نامه است که بدوسله‌ی عدای از خواهران خوادار ساربان در اراک به محضر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، نگارش یافته است. در این نامه‌ها خواهران ما به شرح ماجرای یکی از دشمنانترین و بی‌سرمه‌ترین موارد چماقداری‌های اخیر که مربوط به واقعه‌ی سلفه‌ی اوباش به «احسن دانش آموزان مسلمان اراک» می‌باشد، پرداخته و حتی‌جاها ضرب و جرح‌هایی را که طی حملتی وحشیانه به این احسن در تاریخ ۳۰ اردیبهشت، سست به آنها روا داشته شده، بر شمرده‌اند. خواهران محترم ما در نامه‌های خود به پیشتاد امام دادخواهی سوده و از ایشان تقاضا

در فاجعه‌ی حمله‌ی انجمن جوانان مسلمان تربت حیدریه منازل هواداران چماقداران از تجماع روی اقوام و حشی مغول و قاتار را سفید کردند!

گزارشی از دیدار خانواده‌های مصیبت‌دیده‌ی تربت حیدریه با برادر مجاهد مسعود رجوی بدنیا تهاجت وحشیانه

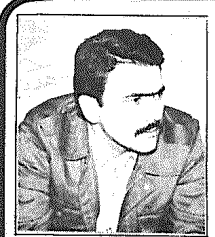
سرمقاله:
عقوبت و عبرت

«واذا الصحف نشرت...» و آنگاه که نامه‌ی اعمال گشوده شود.
(تکبیر ۱۰هـ)
"یوم تبيض وجوه و تسود وجوه..."
روزی که چهره‌های سفید و روهای سیاه شوند...
(آل عمران ۱۰۶)

در جریان انقلاب و مشخصاً پس از پیروزی قیام و سرنگونی رژیم شاه حزب بازی و حزب سازی یکی از پدیده‌هایی بود که در عرصه‌ی سیاسی این مبین رخ نمود. در جو و فضائی که به قیمت خون دهها هزار شهید بدست آمده بود، در شرایطی که دیگر از ساواک و پلیس و ارگانهای اختفای و سرکوب شاه خبری نبود و در نتیجه حزب و تشکل برآمدند، هم بهای چندانی طلب نمی‌کرد، احزاب و گروه‌های یکی پس از دیگری شکل گرفت و اعلام موجودیت نمود. هر حزب و گروهی سعی نمود که در صحنه‌ی سیاسی جامعه تا جایی که می‌تواند عرض اندام و ابراز وجود کند. و در این میان حزب جمهوری اسلامی با در دست داشتن تقریباً تمامی اهرم‌های قدرت در جامعه عملاً بصورت حزب حاکم درآمد و صحنه‌ی سیاسی جامعه را میدان ترکانه‌ی خود گردانید...
البته بدیهی است که تشکل و حزب بخودی خود هیچ عیب و ایرادی ندارد اما آنچه که مهم است انگیزه‌هایی است که حزب و تشکیلات بر اساس آنها بنا می‌شود و راهی که در پیش می‌گیرد. عاقبت و سرانجام کار هر حزب و تشکیلاتی را هم همین انگیزه‌ها و عملکردهاست که تعیین می‌کند. هر پدیده‌ای و منجمله هر حزب و تشکیلاتی نیز از خلال همین عملکردهاست که ماهیت وجودی خود و واقعیت‌نگیزه‌هایش را آشکار می‌سازد و سروسخت خود را رقم می‌زند و بسا که پند و عبرتی بنیاد رصحه‌ی ۲

سوال از دادستان کل انقلاب

در باره‌ی بازداشت غیرقانونی اعضای انجمن میناق
چرا دادستانی انقلاب تا این ساعت هیچ اقدامی در جهت آزادی ۱۶ تن از اعضا انجمن جوانان مسلمان میناق، که در جریان حمله وحشیانه‌ی ساد منطقه‌ی ۱۲ به دادستان انجمن در ساعت ۳/۵ نیمه شب، و بدون در دست داشتن حکم دادستانی و پس از ایراد ضرب و جرح‌های متعدد، دستگیر شده‌اند، بعمل نیاورد است؟ آیا سگوت و بی‌تفاوتی شما در قبال این دستگیری غیرقانونی و عدم رسیدگی به شکایات متعدد مربوطه، مفهومی جز همخوانی با اقدام غیرقانونی و غیراسلامی گمبته‌ی میزور می‌تواند داشته باشد؟



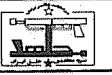
دربیی انتشار نوار اظهارات دکتر آیت در مطبوعات کشور. عصر چهارشنبه خبرگزاری پارس ضمن تماسی نظر برادر محترم مسعود رجوی را در این رابطه جویا شد.
متن زیر پاسخ برادرمان به سوال فوق می‌باشد که دیلا بطور کامل نقل می‌شود:

پاسخ
برادر مجاهد مسعود رجوی
به سؤال خبرگزاری پارس در رابطه با اظهارات دکتر آیت
به نظر من هرگز نباید به این وانمود کند، ابعاد آن را تنها به یک ساله جنبه‌ی فردی داد. و چنان‌که فرد تنها ختم نمود. خبر، هرگز کند! جریان خود آقای آیت می‌خواهد حسن نیست. چرا که جریانات

توجه!
تاکنون مقالات ایدئو-لوزیک را روزهای پنجشنبه و شنبه چاپ می‌کردیم. لکن به علت نزدیکی فاصله و پشت سرهم قرار گرفتن این دوروز، از این پس، این مقالات روزهای پنجشنبه و دوشنبه از نظران خواهد گذشت. بنابراین مقاله‌ی "مردم‌گرایی توحیدی و مردم‌گرایی میندل" را در این شماره چاپ نکردیم و در آینده نیز روزهای دوشنبه چاپ می‌شود.

سوال از دادستانی کل انقلاب در باره‌ی نشریه‌ی منافع

چرا با آنکه ما برخی اطلاعات لازم را در مورد منافق افشاء نمودیم و منجمله کارگردانان اصلی و پشت پرده و نیز عاملین اجرایی و با چاپخانه‌ی آن را معرفی کردیم، دادستانی کل انقلاب انتشار غیر قانونی این نشریه ضد انقلابی را به دیده‌ی اغماص می‌نگرد. آن هم در شرایطی که مطابق همین قوانین موجود (که علی‌القاعده می‌بایستی از طرف دادستانی محترم سروسخت شود) وزارت ارشاد ملی انتشار آن را رسماً غیرقانونی اعلام کرده است.
امیدواریم دادستانی انقلاب و سایر مقامات مسئول به این وظیفه‌ی خود بذل توجه نمایند تا نگویند...



بقیةاصفحہاول

متن نوارهای اول و دوم سخنان دکتر آیت عضو هیئت مؤسس، عضو شورای مرکزی و دبیر سیاسی حزب جمهوری اسلامی

بنی صدر

هوچی گری می کند!

مقدمه صحت

اصولا قرار شده ما بین ما را از ساعت ۱۰ به بعد بگردند. مخاطب: گفته بنی صدر بر آمدن ۹۶ آمریکایی به ایران... می کند. آمریکا چند نفر را فرستاده احتیاجی ندارد، از کجا فهمیدند! از آمریکا به آنها تلفن کردند! چون ما که دستکاه خصوصی نداریم... از کجا می فهمند که آنها چند نفر فرستاده اند؟ بنا باشد دستکاه جاسوسی فلسطینی ها، عربی... یا اجناس شوروی خبر دهند کاتیا مستقیما خودشان خبر می دهند. این حرفها که بنی صدر می زند بیگانه است.

برای جریان دانشگاه بعد از ۱۴ خرداد همین حرفها را می زنند می خواهند ما را تصفیه کنند، مجاهدین... فلان بیجان برای این که دست با او داشته باشند. در حدود ۶ و ۷ چند گروه مسلح ضد دولتی در ایران است بول بیجان می دهند، سیکانیا منظم است. (درباره ی تخمین ارتشها) برای روشن تر کردن می گوید: نه به خاطر کردستان، بلکه به خاطر صل اندن اینهاست (این سخن).

اصل مطلب

این تصمیمی که گرفتیم و در همین اخباری می خواهد بیاید شود این چیزی است که اگر بخواهد به دانشجویی خبر داده بشود و زمزمه بشود فوری حرف می فهمند و آن که باید بزند رویش یک هفته می زند یعنی باید یکمرتبه اعلام شود و بعد شروع کنند دانشجویها و اینها رویش تبلیغات کردن و سر و صدا راه انداختن گاهی اوقات عکس است بالا زمین ندارد و باید از بائن و می گویند آقا شما شروع کنید فلان مساله را عنوان کردن، آن دانشکده و آن دانشکده عنوان می کند آتوتق و بر اساس خواست مردم به اصطلاح خودشان این چیز می خواهند و تصمیم بگیرند بسته به نوع تصمیمات و در انقلاب فرهنگی برای اینها هست این که

الان استادها غیراسلامی بایستی تصفیه بشود این روزها است که باید از بائن سر و صدایش بلند بشود. ما استاد غیر اسلامی نمی خواهیم. بروید یکجا دیگر کار کنید بعد آن تصمیماتی که جگر بکنیم، یک دانشجو در عرض این مدت که دانشگاه ظاهرا تعطیل است عملا که تعطیل نیست یا آدم می رود توی روستاها و کارهای دیگر آن را بگذرد بالا تصمیم می گیرد و بائن شروع می کند سر و صدا راه انداختن می خواهند و باید کشته شوند... این بسته به نوع ماهیت چیزهاست که ما اینجا تصمیم می گیریم هر وقت ما لازم است. دانشجویها، چون دانشگاه عنوان دانشجو دارد به خصوص دبیرستانها را شما باید شروع کنید به کنترل کردن، برید درس بدهید بحث کنید (هر دبیرستانی دو نفر).

دانش آموزان را حوزیه بندی کنید همانطور که آنها می روند شما باید بروید. آنها را هم شروع می کنید در کارشان مشکلات ایجاد

کردن، نمی گذارند بیائید آنجا کومینستیا که مطلقا، می ماند مجاهدین که عنوان اسلامی دارند به خوشان، آنها عملا جلویان را می گیرند و نمی گذارند این طور اسلام را به این ترتیب... دانشگاهها به این صورت فعلی باید تعطیل بشود و برنامه های آینده کارهای عملی در رابطه با مردم و در زمینه ایمنی - لوزی و اسلامی کردن این کلیات مساله است.

چگونگی

پیاده کردن طرح

ما به چه شکل، این شاید یک هفته یا دو هفته و باید هم بعد اعلام بشود یا چند روز قبل. منضم اینست که امام در زمینه آیت الله فراجی نوشته بود بعد... و یک مساله ای است که امام یک نامه نوشته بود... حالا اگر این نامه را برای تفریحی نوشته بود بعد است یابیکی دیگر نوشته بود، تفریحی جزو باند بنی صدر است و آدم کاری نیست اگر امام این نامه را نوشته باشد یک معنی می دهد اما اگر یک کسی دیگر نوشته باشد توش گوسه و کتابه زیاد است.

ضدیت با بنی صدر

(در مورد گفته بهشتی در روزنامه) بنی صدر در کل، نظریه با من است منظور خدایت است) اول کار که این جریان شروع شد دکتر بهشتی یا خامنه ای یا دیگران (می- بندها شدند که اینها) آدمهایی بودند که می توانستند در خط امام باشند و حتی مدتی را فکر می کردند در این خط باشند بنی صدر جبهه ی ملی... اولین کسی که از نبل از انقلاب و حالا حتی دقیقا از موقع من است منظور خدایت است) عنوان کردم که اینها خط امام نیستند و اینها جدا هستند و شما نمی توانید با اینها یکسکان کنید.

حتی موقعی که داشتم حزب جمهوری را علنا بایکداری می کردم قبل از انقلاب و عنوان اینها فکر می کردند بیجان، بازگران، بنی صدر، سنجایی مدتی همه قابل همکاری هستند حتی مطرح می کردند حاج سیدجوادی... من آن زمان اول گفتم اینها نمی توانند با شما همکاری کنند اگر دعوتشان کنید به همکاری، بیایند کار از آن دست شما می گیرند و خراب می کنند و نمی گذارند. ولی اینها قابل قبول نبود مساله ما به تدریج که یک مقداری آدمی می شد برای اینها روشن شد می فهمند حاج سیدجوادی کی هست... خود حریف هم، بنی صدر و اینها می رسید بگوشان، یکسال پیش دو سال پیش ما اینها را گفتم می فهمم حریفی کی هست. یعنی می ستامسه (بنی صدر... چه خطی دارد، این بود که از همان اول هم می ستایش این بود که من را بگوید حزب هم چون خطی که می گویم البته تا حدی قرار گرفته شناخته که بنی صدر کیه، مدتی کیه دیگران می کنند. اینست که خواه و ناخواه حزب هم مطرح می کند (بنی صدر به عنوان جناح مخالف) اما باز قضیه را زیر سر من می داند. دقیقا همجا هم مطرح کرده.

راست هم میگه چون خشن را من نتان دادم.

الفاء فکر ضد

بنی صدر با توسل به

انواع دروغها

این بنی صدر تو جبهه ملی دوم است و اسلامی هم فکر نمی کند. بنی صدر جزو جبهه ملی دوم بود با همین هدایت الله منین دهنری، ناهنجور بختیار، همکاری داشت. ۱۵ خرداد ۴۴ به بوسنای نه کلامی نه حمایتی... بنی صدر دو سال قبل از انقلاب با سنجایی بختیار با دکتر صدیقی برنامه داده ناس داشتند و به سنجایی بختیار گفتند تو نخست وزیر شو و ما تو را از جبهه ملی بیرون می کنیم که اگر از جبهه ملی تو را وزیر و نخست وزیر کن... اینها (سرگدشت بنی صدر و تاریخچه زندگیش) را ما منتشر می کنیم (آیت این را به مخاطبین می گوید). اینها خطا داشتند نیستند... آن ارباب آمریکا می خواستند ببرند چه انگلستان چه آمریکا... اینها (منظور بنی صدر و جبهه ملی) می گفتند آقا منصب دینی است گروههای سیاسی را مشخص نمی دهد. اینها دو نقشه داشتند یک نقشه این که همان بلائی که سر کاشانی آوردند سر جبهه ی بیاورندیک آدم بسازند جلوی جبهه ملی که نتوانستند... طالقانی هم که... در... حالا بنی صدر... به فکر این هستند که اگر نشه کسی را بسازند می گویند امام کی میرود بنی صدر باید قدرتی پیدا کند و یک محبوسیتی پیدا کند و یک نامحسوسیتی پیدا کند که امام بنی صدر را می خواهد، امام به بنی صدر رای داده و... کی نامه بنی صدر به امام می نویسه گلی، امام بنی صدر موافقت می شود این ساخته آن سعود روجه که می گوید حالا که امام با اختیاران تو کدام اختیاران؟ شماره است: (۱) داده است

اینست که حسب ویر را با وافت امام تعیین شده است، یعنی سوسی انقلاب باید موافقت کند با بنی صدر، موافقت کند با نخست وزیر تعیین شود. پس این که اختیاری نبوده برای بنی صدر اختیار دیم که توی انتظامی- زیر نظر باشد که هست- زیر نظر کل حکومت جمهوری اسلامی است تمت سوم- که رادیو تلویزیون به اصطلاح اسلام باشد مگر امام می گوید غیر اسلامی باشد این را گذاشته ای اختیارات ولی اعظام نداری را انتخاب کرد برای اطلاعات بنی صدر در یک بلاغ بی بزه، نوشته که تو هم منصوب شدی از طرف من - بنی صدر و اینها می رسید بگوشان، خواهد نتیجه بگیرد یعنی می خواهد بگوید هان پس الان هم آمده بیست - دستی کرده و این آقا یعنی فراموشی مدیریت رادیو و تلویزیون سربستی صدا و سیما در حالی که اصولا این بنا بر فرض محال من می دانم این نامه را امام به کی نوشته اگر به کی دیگری به غیر از تفریحی نوشته باشد اصلا خرد کننده است برای بنی صدر، اما اگر بخود تفریحی نوشته باشد بنی صدر باید خرد کننده است منتشی یک کمی تعدیل شده درست خلاف آن چیزی که بنی صدر گفته

کسی را به خاطر عقیده کنار نگذارید این (خمینی) می گوید همه که غیر- اسلامی هستند بریزید بیرون... خب حالا اگر این هم باشد نا بکاه بعد که مجلس تشکیل شود تا بون اساسی را نمی تواند بنوده بگیرد تا بون اساسی می گوید ۳ نفر باقی در راس رادیو تلویزیون باشند. یکی از طرف مجلس - قاضی - مجریه - امام هم اشاره کرده بود که رادیو- تلویزیون نباید زیر نظر خمینی باشد مستقل باشد. ما حظ و نشه را خواندیم. خود ارباب هم دستور داده که به آیت نبوب جوی می داند چه بایدکنند چون دیده که می هماس را از حلقه کتم، کتم که می بنی صدر این است.

و همین طور هم به مدعی الان آخرین بزه ای است که ظاهرا هم سده رئیس جبهه... چون ایگار عمل دست جلسه مار ساله مجلس است.

رئیس جمهوری

اختیار ندارد!

اگر آن بیش نویس را که آنها (سجایی و...) درست کرده بودند اگر آن تصویب شده بود، اصلاح از این رفته بود. الان بنی صدر رئیس جبهه بود و رئیس جمهور هم همه کاره، هم می توانست مجلس را متحل کند، هم دادگستری قانون آدمیم، فرماندهی کل قوا را قاضان را این منصوب می کرد، هم ارتش را زیر فرماندهی داشت. همه چیز زیر نظر نبود، ما توی این داده ایم به رهبر، اگر آن بیاید آن را نمایندگی خودش کند، این اصل نیست، هر وقت خواست می تواند ازت بگیرد. اختیارات کامل را هم که دادیم به مجلس، رئیس جمهور فقط می تواند مدال بدهد و مدال بگیرد و سفرا را به حضور بپذیرد و التماس هیچ اخباری ندارد. بنی صدر تلاش می کند ولی چیزی (اختیاری) ندارد. ما سوادها هم آمده گفته گزاره آنها شهربان وکیل می دهد همه آمدند راضی دادند به یک نفر که صد بنی صدر است، باز آن دوستهای من این از اول قبل از انتخابات ریاست جمهوری، باهاش رو کرده بودی کفن همی که این فلان است، و بهم ان است و چه کار کرده و این چیزها مردم سازه آمدند به این رای داده اند، آن انتخاب شد، حالا آمده بنی صدر تلاش می کند انتخابات را باطل کند. باطل کرد حتی شورای انقلاب هم پذیرفت. دوباره انتخابات نبود، همان می شود حرفی توش نیست. اینها آمدند در خاندی ریاست جمهوری و دفتر شورای انقلاب و اعتراضی، تمام مدرسه ها جمع شدند آنجا در خانه امام آن وقت وقتی در میان دعوا توش تعیین می کنند، "اصل با خود شما مردم می دانیم" اگر مجلس هم کف توش... فردا می زنند تو دشمن تو چه کارهای توش نوشته که تو چه کاره ای مجلس همه کاره است آنها که مستقیم به مردم مراجعه می کنند، مجلس همان کاری که صدق کرده نه، این دست و پای بی خودی است، داره (بنی صدر) می زند.

هیچ کاری نمی تواند بکند، با این قانون اساسی با این شورای انقلاب با این امام

مقابلش نگهداسم و گفتم اوضاع از چه قرار است هیچ کاری نمی تواند بکند، یعنی هرچه بخواهد سرودا کند، باعث می شود، روز بروز ضعف تر شود. مخالف مردم برانگیزه شود و جوی ناچار برکناری بکنند، اگر بخواهد تسلیم بشود که یک رئیس- جمهور شریعی است و همین جور بود، این طرف و آن طرف حرف بزند، هیچ قدرتی هیچ اخباری مثل شاه انگلستان، الان فقط حرف می زند یک نخست وزیر می خواست تعیین کند، نخواستند... جوی فکر می کرد مجلس فکر نمی کرد یک قاضی هم این طرفی باشد... در دانشگاه کسی را ندازه به خصوص که روز به روز هم در دانشگاه پایگاهش هم همین طور باهاش برکت، طلاب و حوزیه علمیه هم که اصلا "باهاش نبود، حالا هم که در جریان مخالفت قرار گرفتند، بازار هم داره کم کم برمی گردد، باند عموم مردم که عموم مردم هم جهت ندارند و جهشان هم جهت روحانیت است، روحانیت هم که وقتی درست برگرداند، عموم مردم هم برمی گردند، (از بنی صدر) الان هم عموم مردم هنوز دقیقا "در جریان نیستند کی به کیه، فکر می کنند، بنی صدر و بهشتی هم در یک جریان هستند، گرجه حالا کم کم دارند، می فهمند یک کار جریان هم نیست.

روز به روز هم در دانشگاه پایگاهش هم همین طور باهاش برکت، طلاب و حوزیه علمیه هم که اصلا "باهاش نبود، حالا هم که در جریان مخالفت قرار گرفتند، بازار هم داره کم کم برمی گردد، باند عموم مردم که عموم مردم هم جهت ندارند و جهشان هم جهت روحانیت است، روحانیت هم که وقتی درست برگرداند، عموم مردم هم برمی گردند، (از بنی صدر) الان هم عموم مردم هنوز دقیقا "در جریان نیستند کی به کیه، فکر می کنند، بنی صدر و بهشتی هم در یک جریان هستند، گرجه حالا کم کم دارند، می فهمند یک کار جریان هم نیست.

این آخرین

مهراست!

این آخرین بزه است نفس خود را بازی می کند. یک دو با افراد دیگر که در خطا نیستند، ممکن است بیاید بازیک صحنه می باشد. خوب اینها افرادی که خط ندارند تا بنی صدر خط دار بود، در جهت آنها حرکت می کرد... که الان که بعد افرادی می آیند، که خطا برایشان شخصی نیست، مثلا بیجان بلند آن هم خط شخصی دارد و مشکل آوردنش به میدان، حاج صدی جوادی اینها مشکل آوردنش... دقیق می مردم رویشان ندارند، خودشان ظاهرالصلاح هستند، آدم بدی نیستند، ولی خود خط دقیق و شخصی ندارند، فرض کنید، میرسلیم را بیاورند شخصی وزیرش کنند، این خطا را تشخیص نمی دهند، این خط امام باشند - بنی صدر کیه - بیجان کیه -

مخاطب: آیا حزب کلا "هیچ تضمینی به همکاری ندارد... آیت: چرا وزیر می دهد همکاری نه وزارت شرکت می کند، چون حق خودش می داند، نه این که با آن همکاری کند، حزب می گوید، بنی صدر کارهای نیست، طبق قانون اساسی اکثریت نماینده مجلس می تواند نخست وزیر را تعیین کند، نخست وزیر، خوبی، وقتی خواه ناخواه حزب برنده شد، باید حزبی باشد، حد اکثر افرادی که حزب بکند، باید یک شخصیتی را بگذارد که از لحاظ تعارض شدید با بنی صدر نداشته

باشد، یک دمه نباید بگوید: آیت، حب اکثریت مردم بداند بگوید فلان... کسی را ندازه بوبری، حاجیک... کسی را ندازه و جناح بازگان را نمی تواند بیارد چون دیگر انقلاب نیست، نمی داند بدی- سجایی - حاج سیدجوادی - حسن دهنری - روحی این بیجا گفته محومعا یکوآحد هستند این که نه امام زیر بار می رود نه مجلس زیر بار می رود و اگر شورای انقلاب نه شورای انقلاب این (بنی صدر) اینها را می خواهد. تمام نفس این است که اسبها را بیارود، مجال است که خیابانی را بیارود برای وزارت مجال بیارود وزیر شوند.

الان اینها تون به هم فرص می دهند یک عده ای اینها دارند در اختیارشان (مجاهدین) الان جوی سلیمانی دارند درست می کنند، یعنی فلان جا که بنی صدر صحبت می کند، هم معلوم است اگرچهار تا یک بزند و یا چهار تا سوت بزند، این اصلا "می بزه می شود، چند تا جا شرکت کرد، همین جور شد حالا هم مجاهدین و فداییها می روند - اصلا "نیب نظاره اشان هم با آدمهای وارد مشخص است، آدمهای اسلامی الیگاری می گویند، نفوذ که خیلی نیمه لاسی باشند، کف می زنند، اما دیگر توی اسلامی ها هیچ وقت سوت زدن نداریم، اخلاصان این نیست که کف بزند، سوت آن زمان طاقوس هم اسلامی ها سوت نمی زنند، این سوت زدن مال نسیب است که می خواهد جو منتضی ایجاد کند، معلوم که مجاهدین هستند (هواداران اشان) اینها باند خوب چند تا در اختیار دارند برای این که بگویند این (بنی صدر) محبوب و مهم است کف زدن و سوت کشیدن توی تلویزیون یک مرتبه بداید و بگوید اینها به ما اختیارات داده اند این صلا "بسی بد بود، که به مردم بگوید امام به این اختیارات داده، یک چیز نداده را اسفاده می براه از اینها از آن طرف هم هرچه نامه می بوسند، حصر رئیس جمهور می سی اینها همه رئیس جبهه ی حسنه داری در حالی که ما مطلع هستیم اینها همه یی حواسه بنی صدر را اصالت بدهند در مقابل امام تمام کارشان این است با حالا که نتوانستند بعدس هم نمی توانند کاری ازتان ساختن نیست.

الان برنامه شان روی منظری است عکس را بریند منظری را بزنند، سوسی سخنانی نامی ازین بریند محام اینها باشد صحنی از منظری باشه، منظری روز بروز بزرگتر می شود، کانگر اسفاتی برای امام بیست آدم، ما دیگر خیلی کار نداشته باشیم. بنی صدر عکس این، هدش است جوی حتی آن روید که سیریک فرساده برای نجفی و کلپاگان برای شریعتداری فرساده، ولی برای منظری نفرساده، مهم نیست اتفاقا بهتر بود.

مخاطب می گوید: جها... خوب؟ آیت می گوید: خیلی محدود بگذاری روش چاره خردا دهه چیز رو ش می شود، البته شاید زودتر از آن روشن بکنیم، بهترین زودتر از این برنامه، می باید یک خواهد بود... تبلیغ بکنید بقیه صفحه ۴



بچه‌ها صفحه ۴

متن نوارهای اول و دوم سخنان دکتر آیت...

دانشجویان خط امام ایستاده، فلان می‌کنند.
اینها روی مردم تاثیر می‌گذارد مردم حسنیت دارند. الان هم مردم در اثر این حرفهای بنی‌صدر ازش زده شده‌اند.
صرف نظر از اینکه گفت مولا با گوانی مبارزه می‌کنیم یک هفته دیگر، چطور نتوانست، خوب عکس‌العملش بده، گفت بیکاری را حل می‌کنیم، نتوانست و الا انعامهای مختلف دیگر و خیلی هم دارد حرف می‌زند فکر می‌کند خیلی حرف زدن روزهای اول، خیلی مفیده، چون همه جا چهره‌ی طرف هست آمد و ماه که شد، سه ماه گذشت سر عین شاهنشاه میشه... منتهی خطری داره، دفعه‌ی وی کارش خطری دارد که باید خیلی مراقب بود.

مخاطب: ...
آیت: باید از کاتالیهای موجود اقدام کرد.
مخاطب: این امکان نمی‌تواند ما را خیلی اقعان کند.
آیت: فعلا باید برید توی آموزش.

مخاطب: همین توی آموزش و اینکه این رابطه رو برید باید چیز بشه یعنی چون مثلا...
آیت: حالا تقدرا هم بد نیست‌ها، بنی‌صدر خوب می‌داند و یا خوب هم نمی‌داند. بیگم حالا مصلحت نیست. نیکم که حالا هم بیافتم عطا بنی‌صدر، خودش یک تاکتیک مشخص می‌خواد. اما اصل مسئله را باید گفت، بنی‌صدر را آنقدر باید درکتند.
بنی‌صدر یک خطره برای این انقلاب و باید این خطر را بچوری خنثی کرد تا این حد را باید درک کند حالا آنجورشن هرکسی یک شکلی باید عمل کند.

منکه شناخته شده‌ام به عنوان یک عامل مخالف بنی‌صدر، باید بچور عمل کنم حزب به عنوان شناخته شده‌ام می‌چورد دیگه باید عمل کند، تو مجلس یک کار دیگر میشه کرد و گروههایی که بهرحال کافلا شناخته نشده اند بچوری دیگه می‌توانند عمل کنند.
مخاطب: حالا...
آیت: ...

آیت: ما افرادمان لافلا فکرا هماهنگ باشید که بنی‌صدر یک آدمی است که لافلا خطره، البته اینکه میگم خطره، بنی‌صدر خودش آدم نقشه‌کش و آدم زرنگی نیست، بهرلاف تصور و دلیلش هم، همین عملیاتی است که تا حال انجام داده منتهی خوب یک زرنگی داره که زود انعطاف پذیره و خودسود را هماهنگ با جریان نشان می‌دهد و جلوی جریان می‌ایستد، اگر خطری است فوری چنانچه توی همین مسئله گروهگانی و قطع رابطه با امریکا پشت تغییر شی داده، باطن همان خط را فریب می‌کند اما ظاهرش... اما فرصت زیادی نمی‌تواند دوام بپدا کند و بالاخره دستش رو می‌شود من فکر می‌کنم با مجلس خوب-ناخواه درگیری خواهد داشت اول نه، ممکن است که اول مجلس زیاد مخالف نباشد چون حالا ریاست جمهور است ماها هم حمایت کنیم و این حرفها، ولی آنقدر کج سلیقه است که درگیری قطعی است.
و ما باید خودمان را برای روزی آماده کنیم که این بکمی است، استعفا کند، گرجه بعد می‌دانم. ولی بیرحال ناچار می‌شوند بگذارند کنار. فرض

خیلی خیلی بعیدش هم، بیایند که نه ایشان تا چهار سال هم ماند، این خیلی بعیده اگر تا چهار سال دوام کند ما باید بدانیم کی جای ایشان باشد و کار کنیم از همین الان برای روزا و نخست‌وزیرمان کار کنیم و بخصوص برای نماینده، ۲۷ه نمانده، در هر شهر ما باید ۷۰ حوزه داشته باشیم.
فرض بگیر در محلات، ما باید تا چهار سال دیگر کار کنیم تا ببینیم که کی را داریم و این از الان جگاز کنیم، از الان باید روی یک نفر کار کنیم، تا چهارسال برای اینکه آن موقع شناخته بین پنج و شش نفر که دم دست هستند نسبی انتخاب کنیم، خوب محلاتی را نشدیدا باهاش بخالف بودم و اونجا هم که تحقیق کردم، زمانهای هم نداشت ولی خوب روی مجموعه ۷ تا ۸ نفر، چهار نفر آدم بی‌زمینه، بالاخره یکی که زمینه بیشتر داره، میبره دیگه... ما باید خیلی واقعا برنامه‌ی درازمدت خودمان را درگیر امور اجرایی، زیاد نکنیم. شروع کنیم به ساختن آدمها، دنباله برنامه‌ی قبلی که داشتیم. قبل از انقلاب، این انقلابی، این یکسال خودماری، یک مقدار آن برنامه را متوقف کرد. هرکسی بیک کاری مشغول شد این قدر هم سر افراد شلوغ بود که نمیشد دیگه به آن صورت کار کنیم. من گرفتار، دیگران گرفتار و حتی بعضی‌ها را ما آدرسایشان را هم از دست دادیم که نمی‌دانیم کجا هستند.

ولی حالا فکر می‌کنم ما این سازماندهی جدیدی که من دارم می‌کنم و کار اجرایی هم که افتاده دست بنی‌صدر، بگذار بیافتند، ما می‌خواهیم در مسؤلیت کمتر باشیم، ضمن اینکه مراقبت کنیم که این، سقوط کلی نظام را دربر نداشته باشد، ایشان می‌توانند روی کشاورزی، صنعت، و... و البته جلوگیری از رنک می‌داریم نمی‌گذاریم آدمی بشه که... مخاطب: خوب این یک مسئله است فکر نمی‌کنید که این نیروها بی‌آورد رو.

آیت: نخیر، مخاطب: الان، با مجادین خیلی الان داره لاس می‌زنه.

آیت: همین خورش می‌کنه، چون نتیا ما هم که نیستیم امام هم هست، امام خایم که نیست کافلا مراقب جریان. اگر ما در رویش قرار بگیریم، البته من رودر رویش فعلا که قرار خواهم گرفت از من هم میترسه. الان توی حرفهایش و درکش همش منم. ولی کاری هم نخواهیم کرد، بپناه به دستش بدن، که بگویم می‌خواستم کار بکنم. شاهان گذاشتید. میدانم نمی‌تونه. عاجزه، باید میدان پیش بدیم که بفرمایند، سه ماه پیش گفت که در سه ماه بیکاری را حل می‌کند، اخیرا شنیدم گفته دیگه هم مهلت خواست بگناه دیگر که هم سله، سه ده دیگه هم نمی‌تواند اینکار را حل کند. اوایل که آمد، رفت توی بازار گفت یک هفته دیگر اگر نمی‌تواند اینها را ازان نگردد، این کارش را ازان نگردد، یک هفته گذشته، هیچ کار نگورده، همان چیزها هم گزارنده، نان آورده شاهنشاهی می‌خواد حل بکنه. مردم باید لمس کنند بیفرغی‌اش را، مردم اطلاع سیاسی ندارند و باید به یک ترتیبی لمس کنند این را، هم ما جلوس مستقیما قرار بگیریم. ولی به صورتی که شما هستید، اگر منجم باشید... مخاطب: این مسئله هست که

مخاطب: درست، شما که نه، شما بعنوان ظاهرا" که می‌دانم.

آیت: درست اما فرض بگیریم طرفی که نمی‌دانند کی علمیات جبهه گرفته، اون نمی‌تونه جبهه بگیره. یک وقت می‌بینی که یک مسئله در تمام شهر برانگنده می‌شه، که آقای بنی‌صدر مثلا" اینه، امام مثلا" اجرا نمی‌گذارند کنار؟ که هم مواسعایه و این بدنوان یک اصل بین مردم پخش می‌شه، با انعام بنی‌صدر، ما باید سیاست را اینطوری بکنیم.

که این مسئله‌ای که الان است و واقعیت دارد که خط امام و خط بنی‌صدر دو-است و بنی‌صدر نمی‌خواهد که بگذارد که مردم بیفهمند این خط دوناست. فقط ساسون می‌فهمند، عامه مردم نمی‌فهمند، بخوی این باید تبلیغ بشود، غیر مستقیم

که تمام مردم باید بیفهمند که اگر بنی‌صدر بوداصلا" این انقلاب از بین می‌رود، این باید در سطوح مختلف، خصوصا همان چیزهایی که توتاریکی قرار

دارند...
مخاطب: پس بنی‌صدر را شما معتقدید از هیچ طریقی باصلاح عوض یعنی پختن این مسائل میشه...
آیت: ...
هان پختن این مسائل، اعلامیه هم فرق کنه این مسائل، اعلامیه هم مخاطب: حلی اعلامیه

آیت: بنی...
مخاطب: فکر نمی‌کنید کافی نباشد، چون فکر می‌کنند تماما نظرات... ندارند.

آیت: ...
مجلس جرا، بنی مجلس نمی‌تونه این کار بیرون از مجلس، یعنی زمینیه کار از ما بنی مجلس فرام می‌کنه، ما هم توی مالکات را و مشیر الدوله را که تل از رضاخان همان خط‌بیلوی بودند و بنی‌صدر از که هنوز هم که هنوزه آتیا بگذره اطلاع عات سیاسی دارند، بعنوان رجال برجسته طی ازمان نام می‌برند. اما تعصب رونی‌سوفی مالکات نشان نمی‌دهند. اینها میشه، حالی مردم کرد، اولین مسئله اینده که بعضی خطها که شناخته شده‌اند دنبالی خلی ساد می‌رود جلو.

مخاطب: من باز هم به‌سما کنم

آیت: ...
مخاطب: یعنی همین احسان را ایجاد کردن بر مردم و جواسه.

آیت: ...
مخاطب: حلقه‌ی ساسی آره منتها مسئله بالاتر از اینها است.

آیت: خوب اون دقیقتر از این دستور العمل می‌اید.
مثلا" فلان مسئله که بنی‌صدر مطرح می‌کنه، به چه نحو شما خنثی‌ش کنید.
چون اگر بخواهید همیشه در مسائل جبهه بگیرید می‌تونید شروع می‌کنید در مقابل آن عناصری که جبهه گرفته‌اند، جبهه بگیرد.
مخاطب: خوب مستطامین است که ما آن عناصر را هم لو بدیم، وقتی ما عمل می‌کنیم.
آیت: خوب من همین را می-گویم، اگر من جبهه بگیرم که گرفته‌ام.

مخاطب: ...
شما بعنوان ظاهرا" که می‌دانم.

آیت: درست اما فرض بگیریم طرفی که نمی‌دانند کی علمیات جبهه گرفته، اون نمی‌تونه جبهه بگیره. یک وقت می‌بینی که یک مسئله در تمام شهر برانگنده می‌شه، که آقای بنی‌صدر مثلا" اینه، امام مثلا" اجرا نمی‌گذارند کنار؟ که هم مواسعایه و این بدنوان یک اصل بین مردم پخش می‌شه، با انعام بنی‌صدر، ما باید سیاست را اینطوری بکنیم.

که این مسئله‌ای که الان است و واقعیت دارد که خط امام و خط بنی‌صدر دو-است و بنی‌صدر نمی‌خواهد که بگذارد که مردم بیفهمند این خط دوناست. فقط ساسون می‌فهمند، عامه مردم نمی‌فهمند، بخوی این باید تبلیغ بشود، غیر مستقیم

نی‌دائم فلان شخص خط‌بیلوی است. این را اتفاقا" من نهیبه کردم و فکر می‌کنم که چند تا سخنرازی هم بنی‌صدر منتها بدون اسم بنی‌صدر، بدون اسم بارزگان باید اول این مفهوم را بین مردم ایجاد کنند که ماخط‌بیلوی داریم.

لااقل این مفهوم را که فهمیدن، خوب خلی‌ها نمی‌فهمند، ما سکی‌ها آقا، بنی‌صدر بده، میگه خوب این پاریس بوده و روزنامه داشت و مخالفت داشته، میگي حاج سید - جوادی بده، منگ حاج سید جوادی که چند کتاب صد شاد نوسه، از زمانی شروع کرده که آنها روس الصالح را و مشیر الدوله را که تل از رضاخان همان خط‌بیلوی بودند و بنی‌صدر از که هنوز هم که هنوزه آتیا بگذره اطلاع عات سیاسی دارند، بعنوان رجال برجسته طی ازمان نام می‌برند. اما تعصب رونی‌سوفی مالکات نشان نمی‌دهند. اینها میشه، حالی مردم کرد، اولین مسئله اینده که بعضی خطها که شناخته شده‌اند دنبالی خلی ساد می‌رود جلو.

مخاطب: من باز هم به‌سما کنم

آیت: ...
مخاطب: یعنی همین احسان را ایجاد کردن بر مردم و جواسه.

آیت: ...
مخاطب: حلقه‌ی ساسی آره منتها مسئله بالاتر از اینها است.

آیت: خوب اون دقیقتر از این دستور العمل می‌اید.

مثلا" فلان مسئله که بنی‌صدر مطرح می‌کنه، به چه نحو شما خنثی‌ش کنید.
چون اگر بخواهید همیشه در مسائل جبهه بگیرید می‌تونید شروع می‌کنید در مقابل آن عناصری که جبهه گرفته‌اند، جبهه بگیرد.
مخاطب: خوب مستطامین است که ما آن عناصر را هم لو بدیم، وقتی ما عمل می‌کنیم.
آیت: خوب من همین را می-گویم، اگر من جبهه بگیرم که گرفته‌ام.

مخاطب: ...
شما بعنوان ظاهرا" که می‌دانم.

آیت: درست اما فرض بگیریم طرفی که نمی‌دانند کی علمیات جبهه گرفته، اون نمی‌تونه جبهه بگیره. یک وقت می‌بینی که یک مسئله در تمام شهر برانگنده می‌شه، که آقای بنی‌صدر مثلا" اینه، امام مثلا" اجرا نمی‌گذارند کنار؟ که هم مواسعایه و این بدنوان یک اصل بین مردم پخش می‌شه، با انعام بنی‌صدر، ما باید سیاست را اینطوری بکنیم.

که این مسئله‌ای که الان است و واقعیت دارد که خط امام و خط بنی‌صدر دو-است و بنی‌صدر نمی‌خواهد که بگذارد که مردم بیفهمند این خط دوناست. فقط ساسون می‌فهمند، عامه مردم نمی‌فهمند، بخوی این باید تبلیغ بشود، غیر مستقیم

این خطوط را از آن شما باصلاح، شما این نیروها را دارید، بعضی الان، حزب برای کار شما خودش ارگان داده، روزنامه‌ی فلان، فلان اینها همه‌هست، ولی ما نیرویی هستیم که می‌تونیم، بنوان کار دیگر را هم داریم.

آیت: پس اولین کارمان اینده که این ارتباط را که فیمندن، که نمی‌تونیم کاری بکنیم.
مخاطب: این ارتباط با مرکز... من خودم هستم و سنی می-کنم سچهار نفر دیگر را هم پیدا کنم در رابطه با سربزگه، ترار شد، قرار بگیرم ولی باز هم خطوط کار ما، بوی آن حراب‌ها، نمی‌خواهم بنی‌صدر اینها خیلی کارها می‌توانند بکنند، اونها- بوی روزنامه‌سوز بنویسند می‌تواند برود بوی مردم و با بگذارد معاهده‌ی کس‌های دیگر، کتم یک نسخه‌جانی می‌بزم من آیت: خوب، آن را باید بنسبیم سهر حال دنقیر روس بخت کتم یک نسخه‌جانی می‌بزم من آیت: خوب، آن را باید بنسبیم سهر حال دنقیر روس بخت کتم یک نسخه‌جانی می‌بزم من آیت: خوب، آن را باید بنسبیم

آیت: خوب، آن را باید بنسبیم

آیت: خوب، آن را باید بنسبیم

آیت: خوب، آن را باید بنسبیم

آیت: خوب، آن را باید بنسبیم

آیت: خوب، آن را باید بنسبیم

آیت: خوب، آن را باید بنسبیم

آیت: خوب، آن را باید بنسبیم

آیت: خوب، آن را باید بنسبیم

آیت: خوب، آن را باید بنسبیم

آیت: خوب، آن را باید بنسبیم

درقا جمعیه حمله به انجمن جوانان مسلمان تربیت حیدریه و منازل هواداران چماقداران

تربیت حیدریه ضمن سخنانی گفت: ما به بجهایان می‌کنیم، اینها سخته که شده سخته کارکمید، ججهما گفتند: ما بیرو بیفرمی هستیم که گفت: اگر به یک دستمان، خوشیند و در دست دیکرمان ماه را بدهید و اگر دنیا رو درهم بریزید که بجهای خودشان را بکشتن

مادران: وقتی راه خدا و خلق باشد، اموال و خانه‌های ما بقاء بدها می‌نیز نمی‌آرد.

برادر مجاهد مسعود جوسی: من فکر می‌کنم شما بجهایان را، برادران را، این جریانات بهتر می‌شناسید که دنبال چی هستید، آیا دنبال مقامند؟ دنبال نامند؟ یا واقعا دنبال راه خدا هستند؟

جلوی پیامان، از اسلام دست بر- نمی‌داریم...
مادران گفتند: که وقتی راه خدا و خلق باشد اموال و خانه‌های ما به آب دهانی نیز نمی‌آرد.
برادر مجاهد مسعود جوسی در ضمنی دیگر از سخنانش به خانواده‌های رنج‌بیده‌ها گفت: "من فکر می‌کنم ما بجهایان را، برادران را، این جریانات بهتر می‌شناسید که دنبال چی هستید، آیا دنبال مقامند؟ دنبال نامند؟ یا واقعا دنبال راه خدا هستند...
در هر حال ساینسته نیست که من از این زحمات تنگرو بکنم و اصلا" یادآوری بکنم. اینست سا خودتان هستید که ما را تربیت‌تان به این راه فرستادید. چیزی که می‌توانم بگویم این است که واقعا" اجر و قرب این زحمات را در بین نمی‌رود... به نظر می‌رسد که ما برای این که راه اسلام انقلابی را بازنکیم، باید از سگلاجه و کورده- راههای ریادی رد نویم...
در همین تربت اگر شما برید و صحبت کنید خلی‌ها ما ممکن

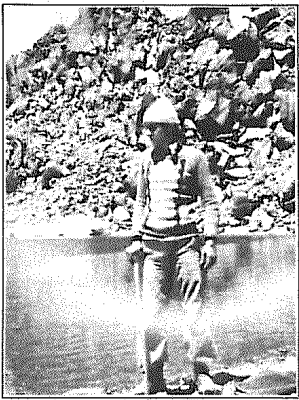
برادر مجاهد مسعود رجوی

به سؤال خبرگزاری پارس در رابطه با اظهارات دکتر آیت

۳۳ خرقه چطور می شود که یک جریانی و یک حزبی، هر چند رگه می تواند در تفرقه و جفا قی در ایران و خونریزی و توطئه فرو گذار نمی کند، ولی همینکه نوبت می رسد به فحاشی یکی دو قلیم تا چیزها را پیش فریاد بر می دارد که بیس کنید! تفرقه ایجاد نکنید! خون شهدا را پامال نکنید! والی! آخر...

بهدیاد مجاهد شهید احد عزیزی

سپیدان



"احد" فریاد "بلال" و امامت دار آنچه که کوهها نیز از پذیرفتن آن سرازیرند، بر فراز قلعه سپیدان

با قاضی استوار،
محروم برنجبر
در انتظار سلام و لبخند
ایسان بلند، توفنده، پرغور،
احد: یکجا خیره گشتی؟؟

در راستای روشن چشمانت،
بر امتداد سهرابانی،
آن دورها،
دستان کوچکت،
در روستای "اردی موسی"
چشم انتظار کولیباری از
خشم و عشق

دستان تقسیمت را
فریاد می کنند

در پای خسته،
اینگ، "میسر کلاس"،
پیش روی ساگردان،
در اشتیاق درین زهانی،
لذت "بریا" را

تکرار می کند

در کوهچاهی ده،
در گشت و گار،
با پشتهای آرد
در دامن "چراغها"

صراعه گوسفندان،

این خلق استوار
پرورش می دهدو تنغیه
و البته نباید فراموش کرد که
کسانی که امروز می گویند مخالفت
آیت با رئیس جمهور "کفر" نیست،
در گذشته هر اعتراضی را به خود و
سبوهای ارتجاعی نان، علامت کفر و
زندگی و نفاق شمرده و بازهم خواهند
شرد.

بنابراین از یک نقطه نظر
انقلابی، مساله دقیقاً بایستی
نوعی جریانی باشد که مثال آیت
را در خود پرورش می دهدو تنغیه
می کند. و البته نباید فراموش کرد که
کسانی که امروز می گویند مخالفت
آیت با رئیس جمهور "کفر" نیست،
در گذشته هر اعتراضی را به خود و
سبوهای ارتجاعی نان، علامت کفر و
زندگی و نفاق شمرده و بازهم خواهند
شرد.

بنابراین اولین چیزی را که
باید از تمام مردم تهرمانان، که
مدتهاست از این گونه عملکردها
به تنگ آمده اند، درخواست نمود،
این است که در قبال این تقاضای گول
نویجهانی از قبیل این که اگر این
مساله مورد بررسی قرار گیرد، باعث
تفرقه و خوشحالی دشمن می شود، را
نخورند. آخر چطور می شود که یک
جریانی و یک حزبی، هر چند که
می تواند در تفرقه و جفا قی در ایران
خونریزی و توطئه فرو گذار نمی کند،
ولی همین که نوبت می رسد به فحاشی
یکی دو قلیم تا چیزها را پیش فریاد
بر می دارد که بیس کنید! خون شهدا را پامال نکنید!
والی! آخر...

بنابراین از یک نقطه نظر
انقلابی، مساله دقیقاً بایستی
نوعی جریانی باشد که مثال آیت
را در خود پرورش می دهدو تنغیه
می کند. و البته نباید فراموش کرد که
کسانی که امروز می گویند مخالفت
آیت با رئیس جمهور "کفر" نیست،
در گذشته هر اعتراضی را به خود و
سبوهای ارتجاعی نان، علامت کفر و
زندگی و نفاق شمرده و بازهم خواهند
شرد.

بنابراین اولین چیزی را که
باید از تمام مردم تهرمانان، که
مدتهاست از این گونه عملکردها
به تنگ آمده اند، درخواست نمود،
این است که در قبال این تقاضای گول
نویجهانی از قبیل این که اگر این
مساله مورد بررسی قرار گیرد، باعث
تفرقه و خوشحالی دشمن می شود، را
نخورند. آخر چطور می شود که یک
جریانی و یک حزبی، هر چند که
می تواند در تفرقه و جفا قی در ایران
خونریزی و توطئه فرو گذار نمی کند،
ولی همین که نوبت می رسد به فحاشی
یکی دو قلیم تا چیزها را پیش فریاد
بر می دارد که بیس کنید! خون شهدا را پامال نکنید!
والی! آخر...

بنابراین از یک نقطه نظر
انقلابی، مساله دقیقاً بایستی
نوعی جریانی باشد که مثال آیت
را در خود پرورش می دهدو تنغیه
می کند. و البته نباید فراموش کرد که
کسانی که امروز می گویند مخالفت
آیت با رئیس جمهور "کفر" نیست،
در گذشته هر اعتراضی را به خود و
سبوهای ارتجاعی نان، علامت کفر و
زندگی و نفاق شمرده و بازهم خواهند
شرد.

بنابراین اولین چیزی را که
باید از تمام مردم تهرمانان، که
مدتهاست از این گونه عملکردها
به تنگ آمده اند، درخواست نمود،
این است که در قبال این تقاضای گول
نویجهانی از قبیل این که اگر این
مساله مورد بررسی قرار گیرد، باعث
تفرقه و خوشحالی دشمن می شود، را
نخورند. آخر چطور می شود که یک
جریانی و یک حزبی، هر چند که
می تواند در تفرقه و جفا قی در ایران
خونریزی و توطئه فرو گذار نمی کند،
ولی همین که نوبت می رسد به فحاشی
یکی دو قلیم تا چیزها را پیش فریاد
بر می دارد که بیس کنید! خون شهدا را پامال نکنید!
والی! آخر...

بنابراین از یک نقطه نظر
انقلابی، مساله دقیقاً بایستی
نوعی جریانی باشد که مثال آیت
را در خود پرورش می دهدو تنغیه
می کند. و البته نباید فراموش کرد که
کسانی که امروز می گویند مخالفت
آیت با رئیس جمهور "کفر" نیست،
در گذشته هر اعتراضی را به خود و
سبوهای ارتجاعی نان، علامت کفر و
زندگی و نفاق شمرده و بازهم خواهند
شرد.

بنابراین اولین چیزی را که
باید از تمام مردم تهرمانان، که
مدتهاست از این گونه عملکردها
به تنگ آمده اند، درخواست نمود،
این است که در قبال این تقاضای گول
نویجهانی از قبیل این که اگر این
مساله مورد بررسی قرار گیرد، باعث
تفرقه و خوشحالی دشمن می شود، را
نخورند. آخر چطور می شود که یک
جریانی و یک حزبی، هر چند که
می تواند در تفرقه و جفا قی در ایران
خونریزی و توطئه فرو گذار نمی کند،
ولی همین که نوبت می رسد به فحاشی
یکی دو قلیم تا چیزها را پیش فریاد
بر می دارد که بیس کنید! خون شهدا را پامال نکنید!
والی! آخر...

"بله، امروز که شما را می بینیم، فقط شما را می بینیم"

توجه می دهید که "کشور در لحظات بسیار حساسی بسر می برد" آیا وقتی که هوای بیماهای آمریکا در آسمان ایران بود شما تحت عنوان انقلاب فرهنگی به گشتار داشتید؟

حساسی بسر نمی برد؟

بله حساس، معمولی خواستند
و نمود کنند که این "مردم" هستند
که با ما مخالفت میکنند! این "مردم"
هستند که جفا دارند و این "مردم"
هستند که خواستار هرج و مرجع و
بخوانند! این "مردم" هستند که
ولی حالا روس می شود که به
قول آقای آیت اسد صمیمی گفته
می شود که "حریف هم اصلاً نباید
بفهمد و هیچ زبانه‌ای هم نباید از
آن بشود" و این که باز هم به قول
خود ایشان:
... یکره بی اعلام شود و
بعد شروع کنند... بر آن تبلیغات
کردن و بر صدا راه انداختن"
تاکتیک ایشان و حرشنان نیز که دیگر

تا آنکه در این می ناله که چرا
من برای اولین بار آن هم برای چند
دقیقه از طریق سمپار انقلاب
فرهنگی در تلویزیون حضور یافته و
پیشانی نسبت به آنچه این آقایان
در سر می پروراندند. همدارند.
بله بیخود نیست که رادوم -
تلویزیونی که جریان انحمارطلب
دامنا از آن مدعی بحث آزاد است
تاکنون به هزار و یک حیل و ترفند
مانع بحث سخنرانی‌ها و افشاکاری‌های
ما شده است.
و اما در تصفیه کنند و... الی
و آخر! اما بگذارید در برابر مردم
میهمن سوگند یاد کنم که هیچکس
به اندازه‌ی خود همین آقایان تاکنون
علا در تضعیف اسلام و انقلاب و
جمهوری اسلامی و شخص امام خمینی
نیز نکوشیده است. و چه کسی
نی نداند که گویای داخل انقلابی را
مورد هجوم و آسیب قرار دهند
صامت از هرگونه رسمیت و قانونیت
ما به خوبی بیاد است.

"بله، امروز که شما را می بینیم، فقط شما را می بینیم"

توجه می دهید که "کشور در لحظات بسیار حساسی بسر می برد" آیا وقتی که هوای بیماهای آمریکا در آسمان ایران بود شما تحت عنوان انقلاب فرهنگی به گشتار داشتید؟

حساسی بسر نمی برد؟

بله حساس، معمولی خواستند
و نمود کنند که این "مردم" هستند
که با ما مخالفت میکنند! این "مردم"
هستند که جفا دارند و این "مردم"
هستند که خواستار هرج و مرجع و
بخوانند! این "مردم" هستند که
ولی حالا روس می شود که به
قول آقای آیت اسد صمیمی گفته
می شود که "حریف هم اصلاً نباید
بفهمد و هیچ زبانه‌ای هم نباید از
آن بشود" و این که باز هم به قول
خود ایشان:
... یکره بی اعلام شود و
بعد شروع کنند... بر آن تبلیغات
کردن و بر صدا راه انداختن"
تاکتیک ایشان و حرشنان نیز که دیگر

اینجا گودال شهدای کفن سوخته

سینما رکس آبادان است. شهدائی که قربانی یکی از نوبت‌های شوم و فرتناور ساواک و دژخیمان جنایتکار شاه شدند. اجساد ذغال شدهی شهدای آتش‌سوزی سینما رکس آبادان که نه قابل شناسایی و نه حتی قابل جدا کردن بود توسط بازماندگان داغدار آنها در یکجا انباشته و دفن شد. مزار پاک آنها هنوز هم به عنوان سمبلی از جایبیت و خونخواری رژیم‌های وابسته به امپریالیسم، یادآور آتش خشم و نفرت و عین تضاد آشتی ناپذیری است که بین خلق و امپریالیسم وجود دارد. خلق قهرمان ایران نیز تنها روز پس از این حادثه در حسامی ۱۹ شهریور و سپس با رشد رفرزون جنبش که نهایتاً به سرنگونی رژیم متفردانه نجات‌بخش داد که مردودان و ایادی جنایتکار امپریالیسم هرگز از شعله انتقام این خلق در امان نخواهند ماند! اگر چه طبیعی بود که تلاش خانواده‌ی این شهدا در آن زمان برای شناسایی و مجازات عاملان این جنایت بجائی نرسد اما با فروپاشی نظام پوسیده‌ی آریامیری تمام مردم روزمنده و انقلابی میبماند و بهروز و بازماندگان و خانواده‌ی شهدای این فاجعه که در حقیقت نعل-پندگان دلسوخته‌ی نمای خلق بودند انتظار داشتند که با شناسایی و مجازات عاملان این جنایت هولناک، لاف‌های قربانیان منتفی یابد.

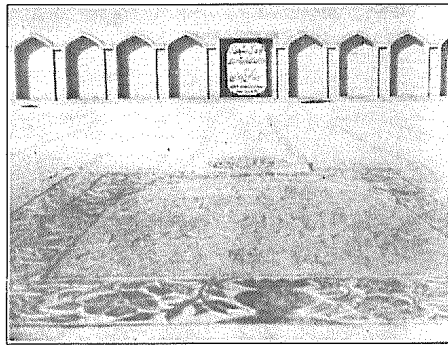
«یوسف دستور قوم مومنین و یهذب غیظ قلوبهم». اما آنجان که خودشان اظهار می‌دارند پس از گذشت بیش از ۱۸ ماه تلاش بی‌وقفه، هنوز هم به جایی نرسیده و نه تنها از مقامات مسئول برخورد قاطعی ندیده‌اند، بلکه آنها از دست‌های پنهان و آشکاری صحبت می‌کنند که به طرق مختلف مانع افشا و معرفی عاملان این جنایت می‌گردند. نهایتاً مادران و پدران دلسوخته‌ترین چاره را در تحسین یافتند و اکنون بیش از ۶۰ روز است که در ساختمان دارائی آبادان متحصن شده‌اند. آنها تنها یک خواستگاری مشروع و انقلابی بیشتر ندارند و آن هم معرفی و مجازات عاملان کشتار فجیع فرزندان و بستگان شهدای این می باشد. ما ضمن همدردی با خانواده‌ی شهدای سینما رکس آبادان بر آن شدیم تا ضمن مباحث با چند تن از آنان، این سوال بار دیگر مطرح شود که:

آیا این بی‌تفاوتی‌ها و پشت‌گوشی انداختن‌ها، در کنار آزاد کردن مهرها و ایادی خطرناک ساواک! جز پایمال کردن خون‌شهدای پرافتخار خلق و هتک حرمت خانواده و باز ماندن آنها و مامشات با عناصر ضد خلق خواهد بود؟

خبرنگار مجاهد: اجازه می‌خواهم ضمن تسلیت به خانواده و بازماندگان شهدا، با توجه به اینکه مسئله فاجعه سینما رکس حساس ترین مسئله شهر آبادان و در رابطه با انقلابیانی یکی از حساس‌ترین مسائل کشور می‌باشد، لذا در رابطه با تحسین اخیر خواهش می‌کنم که چند سوال ما پاسخ دهید: اولین سوال این است که آیا تحسین اخیر شما اولین اقدامات جهت برآورده کردن خواسته‌های آنان است؟

ج: قبل از پاسخ گفتن به این سوال می‌خواستم بگویم که ما در ابتدا یک گله و شکایت داریم از مطبوعات و بطور کلی رسانهای گروهی کشور که متأسفانه آن رسالتی که بدوش آنها بود انجام ندادند. بخصوص در رابطه با سینما رکس که با انفجارش، اینجا خلق ما را بدینال داشت و ما این انتظار را داشتیم که بعد از پیروزی انقلاب، مطبوعات صدای ما را به تمام مردم ایرانی برسانند، اما در عمل چنین نشد. در رابطه با سؤالات بعد از پیروزی انقلاب تعقیب و پیگیری برپوده شاید

مصاحبه‌ای با خانواده‌ی قربانیان فاجعه سینما رکس آبادان



دروغ بگوید! مجاهد: ضمن تشکر اگر بپایم برای مردم دارید، بگوئید. مسئله، مسئله‌ی ما به نهایی نیست

بیتوجهی‌های اول در فاجعه‌ی حمله به انجمن جوانان مسلمان تربیت حیدریه منازل هواداران چماق‌داران اقوام و حشی مغول و قاتار را سفید کردند!

بگور بوقت از شهر هجرت کرده‌اند. سردمداران جانی و مزدور این چماق بدستان گفته‌بوند که هواداران مجاهدین و خانواده‌هایشان یا بایستی از عقاید خود توبه کنند و یا شهر را ترک نمایند!

چندی پیش خبر یکی از ددمنشانگترین حملات چماق‌داران اخیر را که مربوط به فاجعه‌ی هجوم وحشیانه‌ی اوایش چماق‌داران انجمن جوانان مسلمان تربیت حیدریه و خانه‌های مسکونی مردم و هواداران در این شهر بود و به مجروح شدن بیش از ۵۰ تن از هواداران مجاهدین منتفی گردید، در «مجاهد» (شماره‌های ۸۵ و ۸۶) درج کردیم. در ادامه‌ی این حمله‌ی بی‌رحمانه که در تاریخ ۵۹/۳/۲۷ به وقوع پیوست، مهاجمین پس از ویران کردن ساختمان انجمن به تعقیب و ضرب و جرح هواداران و حمله و هجوم به خانه‌ی آنها که از قیاس شناسائی کرده بودند، پرداخته و از هیچ سفاکی و زلالت و خبانتی نیز فروگذار نکردند. از جمله در حمله به خانه‌ی یکی از دبیران هوادار که دبیر دانش انگلیسی است، اوراق امتحانی زبان آموزان را برداشته و به مردم به عنوان مدارک ارتباط با شوروی معرفی می‌کنند!

یکی از سردمداران چماق‌داران در تربیت حیدریه می‌گفته‌است: «ما هرچه اینها را می‌زنیم باز زیادتر می‌شوند، لذا باید ریشی آنها را نکشیم». بعدنیلان تهاجمات بی‌دری به خانگی هواداران و غارت و تخریب آنها و تهدید و ارباب خانوادگی آنان و کشتن یا به هواداری مجاهدین متهم شده‌اند، تا اکنون دو خانواده برای همیشه و هشت خانواده «دو تا» تربیت حیدریه را ترک کرده‌اند. این مهاجرت‌ها بدلیل آنست که هیچ امنیت و آسایشی در شهر برای آنان وجود ندارد و هیچ مقام نظامی و

مجازات شود و از رادبولیویزیون هم بخش نبود. دیگر هیچ خواستهای نداریم. فقط حاکم‌ی عاملین قتل بچه‌ها. الان ۲۸ روزه که اینجائیم به بخاطر رسیدگی به خواسته‌هایمان هر برجسی به ما زدند، گفتند اینجا بازماندگان شهدا نیستند. ما همه که اینجا هستیم مادران، پدران، خواهران و برادران اونها هستیم. مجاهد: شما پدر در رابطه با شهادت فرزند یا فرزندان اگر صحتی دارید، بگمید.

ج: من جوان ۲۱ ساله‌ای را در فاجعه از دست دادام ما بازماندگان ۲۸ روز است اینجا تنگنایدیم و فقط یک آرزو داریم و آن این که مسبین سوخن فرزندانمان دستگیر و محاکمه شوند، ولی انواع و اقسام بیست‌ها را با حالا نه ما زده‌اند، می‌گوئید، صدانقلاب، کمونیست، مافک در صورتی که بی سی‌دلم اینجا حی هست خدا، بی‌داند که ما سلبان هستیم و هیچ بونی هم از کی نداریم جز حاکم‌ی مسبین. محرک ما مجاهد - آبادان ۵۹/۳/۱۵

کرده‌اند و الان خاندانان شرح حر که بحرفه بی‌باند. حتی آن فکر حمله و حمله بوده که وسائلی مانند جرح حیاطی هم گذاشته‌اند. بعد از حمله انجمن، متحاجمین به خانه‌ها حمله کرده و به پنهانی حسنجوی اسلحه‌اتراد داخل خانه را بورد ضرب و ستم شدید کرده بودند و ۳ راه برای ما در جادرها گذاشته و بارونی کرده می‌بردند، لیسنی از گلیه‌ی طرفداران خانوادگی چند تن از مجروحین پس از عدم رسیدگی مقامات استان برای یکی شکایات خودیولقات تا رئیس جمهوری و سایر مقامات پنهان آمدند. این خانوادهمای دادگذار و غارت شدن، براسم بزرگداشت هشت تن از شهدای اخیر مجاهدین دادگذار و زور تجدیدی‌ها چنین گفت: «... و ما و انما» در برابر آنچه شما تحمل کرده‌اید، نمی‌توانم چیزی بگویم. تنها چیزی که می‌توانم به شما بگویم این است که، خوب به فکر رضائی‌های شهید نگاه کنید، ما می‌کنم که آدم هرجه مصیبت ببیند، وقتی او را می‌بیند... من یکبار به مادرا می‌گفتم که فاطمه را که حال زینب و حمصرت فاطمه را که آدم می‌خواند تا سرمدار-

باززنده‌ی نام و سگایت از طرف انجمن جوانان مسلمان تربیت حیدریه و مجروحین و خانواده‌ی آنان بی‌داده‌اندستانی انقلاب تربیت حیدریه، دادستانی انقلاب شهید، دفتر ریاست جمهوری و... ارسال شده با کتون هیچ گونه اقدامی جهت رسیدگی به این شکایات صورت نگرفته و چماق‌داران هم چنان با برخورداری از حمایت مقامات شهر به حکمرانی خود ادامه می‌دهند. خانوادگی چند تن از مجروحین پس از عدم رسیدگی مقامات استان برای یکی شکایات خودیولقات تا رئیس جمهوری و سایر مقامات پنهان آمدند. این خانوادهمای دادگذار و غارت شدن، براسم بزرگداشت هشت تن از شهدای اخیر مجاهدین دادگذار و زور تجدیدی‌ها چنین گفت: «... و ما و انما» در برابر آنچه شما تحمل کرده‌اید، نمی‌توانم چیزی بگویم. تنها چیزی که می‌توانم به شما بگویم این است که، خوب به فکر رضائی‌های شهید نگاه کنید، ما می‌کنم که آدم هرجه مصیبت ببیند، وقتی او را می‌بیند... من یکبار به مادرا می‌گفتم که فاطمه را که حال زینب و حمصرت فاطمه را که آدم می‌خواند تا سرمدار-



عده‌ای از خانوادهمای مصیبت‌زده‌ی مجروحین تربیت حیدریه در ستاد مرکزی مجاهدین. آنها برای پی‌گیری شکایات خود و ملاقات با رئیس جمهوری به تهران آمده‌اند. مادر رضائی‌های شهید و خواهر مجاهد اشرف ربیعی (رجوی) در عکس دیده می‌شوند.

حمله به انجمن جوانان مسلمان تربیت حیدریه بارها و بارها مجاهدین و پدران کردند در این ملاقات ابتدا یکی از برادران عضو انجمن جوانان مسلمان تربیت حیدریه ضمن معرفی خانواده‌ی مجروحین، وقایع اخیر تربیت را تریخ کرد. وی در قسمتی از سخنانش گفت: این مادرانی که آمده‌اند، خانه‌ی اکثر آنها مورد حمله فالتسوها قرار گرفته و اموال آنها را غارت

و سلبق به ساهی مردم است، اما اجازه بدهید از مردم قهرمان و مبارز که تا اکنون از ما حمایت کرده‌اند، تشکر کنیم. بخصوص که دست‌های زیادی در کار است، که قانونی نیز مردم را در برابر اوپانو جاقوفان حرفه‌ای حمایت نمی‌کنند. حال سؤالی که باقی می‌ماند، اینست که آخر این چه ملک و قانون و حساب و کتابی است که مستی ارادل قداره بند و جفاک کن این چنین آشکار به حقوق اولیوی مردم یک سپر تجاوی می‌کنند و هیچ مرجع قانونی هم نه تنها رسیدگی نمی‌کند، بلکه عملاً با حمایت‌های پنهان و بی‌تفاوتی‌های خود، به این اعمال میدان می‌دهد. تا آنجا که عده‌ای از خانوادهمای محترم و با ایمان در این شهر مجبور می‌شوند، از زن و مرد و بچه کودک شهر را ترک نموده و به دیار دیگری هجرت کنند! در تراسی که با دادستان تربیت حیدریه گرفته می‌شود، وی به جای عمل به وظایف قانونی خود جواب می‌دهد: «با تسلیم آنها (چماق‌داران) شوید و یا این که کتک‌ها را بجان بخرید!» اوپاش گویا اندر آن حمایت‌های رسمی و غیررسمی مطمن هستند که اعلام کرده‌اند، لیست خانوادگی هواداران در اختیار ماست و هر خانوادگی هوادار باید توبه‌نامه بنویسد که: «من و بجمه‌ایم طرفدار مجاهدین نیستم»، تا از تعرض

فرزانه‌ی از گفتگوی خانوادگی مجروحین و غارت‌شدگان تربیت حیدریه با برادر مجاهد مسعود رجوی

ممنون باشد و گرنه با باید شهر را ترک کنند و با باید حملات ما را به جان بخرد... هواداران و خانوادگی آنها حتی امکان پی‌گیری شکایاتشان را ندارند. اگر کسی به محل دادستانی انقلاب یا سپاه پاسداران و یا سایر مقامات رسمی مراجعه کند، بهنگام بیرون آمدن از محل، مورد حمله‌ی چماق‌داران اجبر شده قرار می‌گیرد. در عین حال علیرغم این که بیش از

